



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۶/۰۵/۲۰۲۰

حامد نوید

## منشاء آریایی ها از کجا بود؟

جواب به سوال هموطن محترم قاسم مجید که پرسیده اند منشأ آریایی ها از کجا بود؟



بیکره های از اقوام باستانی سرزمین ما ، مئید هده قرن دوم میلادی

درمورد اینکه اقوام آریایی کیست و منشأ آنها از کجاست نظریات مختلفی وجود دار که درینجا میکوشم آنرا بطور فشرده در پرتو اسناد ومدارک تاریخی تقدیم کنم:

بیشتر نظریات در مورد منشأ مشترک آریایی ها تا هنوز مشخص نیست زیرا این فرضیه که تمام مردمان گسترده از اسکاندنیویا تا شمال نیم قاره هند مربوط به یک قوم و نژاد باشند، تا حال ثابت نگردیده، اما در قرن نهم و اوایل سده بیستم نظریاتی که چنین فکر را زمزمه میکرد، از طرف نویسندگان غربی ارائه شد. درینگاه کشور های مقتدر استعماری اروپا مانند انگلستان، فرانسه، روسیه تزاری و کشورهای دیگر غربی که در آسیا و افریقا مستمراتی داشتند در مورد ممالک شرقی کتابها و رساله های زیادی نوشتند که

برخی علمی و صائب بود، ولی برخی نظر به اهداف مشخص سیاسی نگاشته میشد. بطور مثال پس از سقوط ناپلیون بناپارت در سال ۱۸۱۵ و به انزوا رفتن فرانسه از صحنه سیاسی اروپا، دولت برتانیای نظر به پالیسی جهانی خویش در برابر پیشروی روسیه تزاری بالای تشکیل یک Zone زون دفاعی بنام «امپراتوری فارس» ( شامل افغانستان با سرحدات محدود تر، بخشهای از آسیای مرکزی وساحه زمامداری شاهان قاجار) تأکید میکرد، درحالیکه تلاش دولت روسیه تزاری گسترش ساحه نفوذش بسوی جنوب بود. درینگاه ظهور آلمان منحصیث یک دولت مقتدر به رهبری ویلیام اول در سال ۱۸۷۱ ( رایش اول) اقتدار روز افزون برتانیای و روسیه تزاری را مورد تهدید قرار می داد. ازینرو سرجان ملکم دیپلومات ورزیده انگلستان برای پیشبرد اهداف سیاسی دولت برتانیای کتاب تاریخ فارس از دوره های باستان تا عصر حاضر یعنی قرن نهم را به رشته تحریر در آورد تا با برانگیختن احساسات ملی پارسیان جلو پیشروی روسیه تزاری را درآزربایجان بگیرد.

بهر حال بر میگرددیم به اصل موضوع: بحث نژاد آریایی در ارتباط بمسائل زبان شناسی برای نخستین بار توسط زبان شناس بریتانیایی بنام سر ویلیام جانس در سال ۱۷۸۶ میلادی مطرح شد. چون به اساس دریافت های او زبان های یونانی، لاتین، سانسکریت و فارسی دارای ریشه مشترکی اند اما اصطلاح نژاد آریایی نخستین بار توسط ابراهام انکتیل دوپرون فرانسوی که در سالهای ۱۷۵۵ تا ۱۷۶۱ در هند بسر میبرد و با زبان سانسکریت و فارسی آشنا بود و مطالعاتی در اوستا داشت بکار رفت.

درسالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ بال گنگا دهر تیلاک Bal Gangadhar Tilak نویسنده و سیاستمدار مشهور هند در کتاب « منزلگاه قطبی ویدا ها » The Arctic Home of Vedas نظر داد که منشأ اقوام آریایی قطب شمال بوده و این مردمان پس از پایان رسیدن دوره اخیر یخچال ها در حدود ده هزار سال پیش به جستجوی سرزمین های جدید بسوی جنوب سرازیر شده اند. او با تحقیق در اسطوره های باستانی ریگویدا و سماویدا بزبان سانسکریت به این نظر رسید که این قبایل پس از سرازیر شدن از مناطق قطبی بسوی جنوب و اقامت طولانی در دامنه های پامیر در عصر مفرغ از آریا ورته Aryāvarta بسوی شمال نیمقاره هند هجرت نموده و درمیان آوردن فرهنگ هندو آریایی نقش عمده ای داشته اند. اما مفکوره نژاد برتر هندو ایرانی Indo- Iranian Race که توسط انگلیس ها اشاعه میگردد و برسیستم طبقاتی هند مهر تائید میزد مورد انتقاد عده ای از نویسندگان جوان هند که بر تمدن پیشرفته دراویدی ها یعنی مردمان بومی هند تأکید داشتند قرار گرفت. در آغاز سده بیستم هنگامیکه افکار نژاد پرستانه آریین گرایی در قاره اروپا در اوج آن بود عده زیادی از زبان شناسان مانند جوزف آرتوردو گوبینو Arthur de Gobineau فرانسوی برتری نژاد سفید را بر طایفه های دیگر یک امر طبیعی می پنداشتند و کارل پنکا Karl Penka زیست شناس اطریشی خاستگاه نژاد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی دلیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

سفید آریایی را شمال اروپا می خواند که اقوام نوردیک Nordic مانند وایکنگها ، مردمان اسکاندیناوا (ناوری ، سوئد دانمارک) انگلوساکسونها ایرلندی رموس ها ، اقوام ژرمانیک، گاتها ، ویزگاتها، گال ها ، نورماندی ها، اقوام سلاو Slav در اروپای شرقی و اقوام دیگر اروپایی شامل این دسته بود. روی این فرضیه با تاسی از افکار قابل مناقشه آرتور دو گوبینو نویسنده ارسوکران فرانسوی مبنی بر برتری نژاد سفید عده ای از خاورشناسان اروپا کوه های قفقاز را گرگاه اصلی نسل سفید Caucasian Race تعیین کردند و پخش شدن این مردمان را از کوه های قفقاز تا شاخ افریقا و همچنان بجانب شرق نظر دادند. که باعث درگیری های فکری و بحث های برتری جویانه میان یک عده از نویسندگان ترک ، ایرانی و عرب گردید.

در همین آوان در کشور آلمان در سال ۱۹۳۳ پس از ختم اقتدار جمهوری وایمار Weimar Republic (رایش دوم) حزب نازی آلمان تحت رهبری آدولف هیتلر (رایش سوم) با قدرت عظیم تخنیکی و نظامی در قلب قاره اروپا ظهور کرد. در اوج قدرت سیاسی و نظامی هیتلر ، رضا شاه پهلوی و یکتعداد زیادی از روشنفکران و ملی گریان آنکشور بخاطر رهایی از استعمار روسیه و دولت برتانیبا با آلمانها طرح دوستی افگندند که مورد استقبال هیتلر قرار گرفت و کمک های تخنیکی و اقتصادی آلمان به ایران آنوقت سرازیر شد چون هیتلر میخواست برای حمله برهند و شکست اقتصادی برتانیبا پایگاهی در خلیج فارس و بحیره عمان داشته باشد. همان بود که «نامه ایران باستان» تحت نظارت مستقیم دفتر تبلیغات سیاسی آلمان در برلین با مدیریت شیخ عبد الرحمن سیف به نشر می رسید که مراد آن تقویۀ مفکوره "ایران بزرگ" و طرز دید برتری جویانه نژاد ایرانی بر نسل های دیگر بود. متعاقب آن رضا شاه در سال ۱۹۳۵ اسم کشورش را از فارس به ایران تبدیل نمود و مفکوره پان ایرانیزم Pan Iranism با استفاده ابزاری از شهنامۀ فردوسی مانند «هنر نزد ایرانیان است و بس ندارند شیر ژیان را به کس» در ایران تقویه یافت. درحالیکه وقتی فردوسی از جنگهای اسطوره ئی میان تورانیان و ایرانیان درازمنه باستان صحبت میکرد مراد او ازکشور ایران امروزی به شکل کنونی آن نبود. بگفته ملک الشعرا محمد تقی بهار در عهد زمامداری رژیم پهلوی تصرفات و تحریف های زیادی در شاهنامه صورت گرفته که از اصل آنچه فردوسی گفته متفاوت است. (فردوسی نامه، ملک الشعرا بهار، ص ۱۶۶ مرکز نشر سپهر، تهران، ۱۳۴۵)

در جریان جنگ دوم جهانی وبعد از آن مفکوره پان ترکیزیم Pan Turkism و سپس پان عربیزیم Pan Arabism ، در برابر عقاید آریین گرایی در شرق میانه آغاز گردید که تا هنوز عده ای از قلم بدستان در گیر آنند. از آنجاییکه این مسأله باعث ایجاد ابهاماتی در میان یکتعدادی از هم میهنان ما نیز گردیده، ناگزیریم تا نگاهی به پس منظر موضوع بیاندازیم البته باید متذکر شد که مراد از این بررسی هیچگونه کوچک نگرى بر نسل آریایی و سوء نیت در مورد فرهنگ بارور ملت ایران نیست، بلکه شرح حقایق تاریخی و اصطلاحاتی میباشد که در طی زمانه ها تعابیر متفاوتی را بخود اختیار نموده و با ترجمه های نادرست بخورد جهانیان داده شده و هنوز هم این برخورد یکجانبه با استدلالهای عمومیت گرایانه و غیر اکادمیک دوام دارد.

اگر نظری گذرای به گذشته های دور بیاندازیم در میابیم که اقوام مختلف انسانی شالوده دولتهای مقتدر و تمدن های شگوفایی را در سرزمین ما و کشور های همجوار بنا نهاده اند. بطور مثال در افغانستان پیش از اسلام بنا بر اسناد تاریخی ، ساکه ها، پارتها و پهلواها، پکتاس ها اسلاف پشتونها، داردیکها و داریکان (اجداد تاجیکهای و دری زبانان کنونی) ، هوساره ها سلف هزاره ها یا هزاره های امروز، تورک ها یا تورانیان ، اجداد ترک زبانان ، کلاشها و کته ها اسلاف نورستانی ها سیتیها ، (بگمان اغلب اجداد ایماق ها ) ، یونانیان مقیم کاپیسا و باختر ، کوشانیها، یفتلیها، کیدارها و کابلشاهان (برهمن شاهان ، و ترکی شاهان) ، تاتار های مقیم دامنه های پامیر ، ایغور ها ، ازبک ها سلسله شهنسبانیه و آریین شاهان غور باشندگان باستانی این سرزمین بودند و در ادوار اسلامی عربها وارد این سرزمین گردیده و با مردم آن مزج گردیدند. البته هر کدام به نوبه خود نقشی از خود در شگوفایی این تمدن باستانی بجا مانده اند بطور مثال «کورگانی ها» اجداد تیموریان هرات و «شیبانی ها» اسلاف ازبکهای افغانستان و ماعورالنهر در ساحه هنر، ادبیات و بخصوص صنعت معماری نه تنها در کشور ما ، بلکه همچنان در نیمقاره هند آثار ارزشمندی راز خود به یادگار مانده اند که بر غنای تمدنی و ثقافت و فرهنگ خطه بزرگی افزوده است. در کشور ایران امروزی نیز اقوام و عشایر متعدد انسانی مانند ، پارتها، مادها ، آثوری ها ، عیلامی ها، کلیمی ها ، فارس ها، کلدانی ها ، ترکان اوغوز ، ترکان آذری ، اعراب ، چغتایی ها ، ارمنی ها و ده ها قوم دیگر چون کردها، لرها مکرانی ها و بلوچ ها از ازمنه باستان تا اعصار اسلامی سکنی داشته و همه فارسی زبان و از نژاد آریایی یا بقولی ایرانی الاصل نبودند و این امریک واقعیت تاریخی در اکثر مناطق جهان است.

بحواله ریگویدا یمه، یمه ، جمه (در زبان پهلوی) یا جمشید در (پارسی دری) پَرَدانَت (Para-dāta) در ریگویدا و در اوستا (Pēš-dād) پیشداد پیشدادیان (در فارسی دری) بمعنی مقدم و پیشگام در داد گستری و عدلخواهی آمده واز آریایی بودن آنها نذری نیست. همچنان دودمان کواکواتا (کی قباد) یا کی شاهان بلخ از واژه باستانی «کی» بمعنی "خرد" ریشه یافته و کلمه اسپه که در سانسیکریت (Asvakan) ودر پهلوی به «اپکان» یاد شده معنی سوارکار را میداده مانند لهراسپ ، زراسپ ، بیور اسپ ، گشتاسپ ، ویشت اسپ ، ارجاسپ و امثال آن ولقب دلیری و پسوند نام آنها بوده است نه معرف نسل ویا نژاد خاصی. چنانچه دقیقی گوید:

یکی چندگاهی برآمد برین درختی بزد سرزفرش زمین درختی کشن بیخ و بسیار شاخ زایوان گشتاسپ تا برج کاخ ( بنا بر متون اوستا ) فرمانروای بلخ کی گشتاسپ یا ویشناسپ پس از پیشدادیان اساس مدنیت کهنی را بنا نهاد که قدمت آن به پنج تا شش هزار سال پیش میرسد. کوه هره برزتی *Harā Bərəzaitī* (پامیر و البرز بلخ) به حواله یشت اوستا مقر زندگانی پیشتانو *Pešōtanū* ، پسر گشتاسپ بود. گسترده فرهنگی ای که در غرب با دریای *Harahvaitī*، هریوا ، در شمال با رود آمو و خشو اخشیس یا آکسوس *Oxus* در جنوب و جنوبغرب با هره اسکتی *Haraxvaitī* (ارغنداب) و ایتومن *Haētumant* (وهیلمند) و در شرق و جنوبشرق با حوزه رود کوبها *Kobaha* (دریای کابل و معاونیش) و در جنوبی ترین بخش به رود سند میرسد، در اوستا بنام سرزمین رودهای مقدس یاد شده که از کهسارن هره برزتی (پامیر و البرز بلخ) و سلسله جبال پاروپامیزدا (بخشهای ازکوه بابا و هندوکش) سرچشمه میگرفت. اردوی سورانهیتا انه-هیتا به اساس اسطوره های اوستایی «آبان یشت» یزه تا *Yazata* یا فرشته ای بود که این آبهای روان را نگهداری میکرد و گردونه او را چهار اسپ مقدس باد ، باران ، ابر و تریبرف به پیش میراند. اکثر زبان شناسان و تاریخنگاران واژه های مترادف "ورته" "وهیجه" "ویجه" و "ویز" را بمعنی جای ، خطه و سرزمین تعبیر نموده اند نه نژاد آدمی. ازینرو واژه های «آریا ورته» و «آریانا ویجه» معنی خطه یا سرزمین زراعتی را میداده که در آن آبهای روان سبب شادابی زمین و رونق کشت و زراعت میگردد است. ازینرو نام آریانا یا «سرزمین آره گان» به اساس تحقیقات اکثر زبانشناسان چون ماکس میولر *Max Müller* آلمانی از کلمه (ار) به معنی قلبه و "آره" به معنی دهقان آمده و از آنجاییکه دهقانی شغل شریفی بود صفت نجیب بودن را نیز حاصل کرده است (ماکس میولر، بیوگرافی واژه ها و منزلگاه آریا ها، سال چاپ ۱۸۵۳ لندن). ازینرو درین خطه بنامهای مانند آره یا (هرات) آره کوزیا (کندهار) آره زگان (ارزگان) آریاسپه (اسم قدیمی زرنج) و درادوار اسلامی (ارغنداب ، ارغستان و اردبیل (در ایران امروزی) و امثال آن بر میخوریم که همه ریشه در واژه باستانی «ار» یعنی قلبه و «آره» به معنی شخم زن دارد. نام سرزمین آریانا ویجه ویا آریا ورشه در "وندیداد" که یکی از بخشهای پنجگانه اوستا ست ذکر است. نظریه اسناد دست اول و معتبر سرزمین آریانا که اکثرأ ساحه جغرافیای افغانستان امروزی را احتوا میکرد، سرزمینی بوده که در آن کتاب اوستا زاده شده ؛ و بنا بر مندرجات وندیداد از جمله ۱۶ شهر آریانا ویجه ۱۲ آن در داخل محدوده سرزمین کنونی افغانستان شهرهای آریانا ویجه که در بخش وندیداد کتاب اوستا ذکر یافته قرار آتیس: سغیا = سغدستان، بخدی = بلخ = راغا = بدخشان . نیسیا = منطقه فاریاب و تاشکند، مرجیانه = ساحه مرغاب تا مرو، هریوا = هرات ، درنگیانه = زرنج ، هتومن = هیلمند، هره اسکتی = اراکوزیا = ارغنداب ، اروا = غزنه ، کوبها = کابل، کخر = ناحیه لوگرو میدان، و رانا = دره خیبر و گنده هارا چهارشهریکه خارج از خاک افغانستان کنونیست عبارت اند، سغیا در تاجکستان امروزی ، وهرکان (گرگان) و راگه (ری) در ایران امروزی و هپاته هندو که در پاکستان واقع است.

در قرن پنجم پیش از میلاد، که علم تاریخنگاری *historiography* برخلاف اسطوره ها وقایع را در قید زمان و مکان شرح میداد و جغرافیا نگاری به یک دانش مسلکی مبدل گشته بود نوشته های هرودوت *Herodotus* ، بطلموس *Ptolemy*، سترابو *Strabo* یونان و تاریخنگاران دیگر یونانی و رومن سقه ترینند. در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، اسکندر مقدونی بعد از شکست داریوش سوم در نبرد اریابلا *Arabella* حکومت هخامنشیان پارس را سقوط داد و به حواله یادداشتهای همزمان اسکندر داخل سرزمین آریا (آریانا) گردید ؛ حوزه تمدنی آریانا را در نوشته های شان یاد کرده و در مورد موقعیت جغرافیایی آن نقشه های دقیقی را ترسیم نمودند که درینجا نقشه جهان کهن توسط ارستوس *Eratosthenes* جغرافیادان اوایل قرن دوم ق.م. به توجه میرسد.

نتیجه: امروز اکثر جامعه شناسان و زبانشناسان با توجه به علم جامعه شناسی تاریخی و باستان شناسی محیطی در یافته اند که بیشتر عقاید و نامهای اعصار کهن در دوره نیولیتیک (عصر صیقل سنگ) ، دوره زراعتی و عصر فلزات و آغاز تمدن های شهری به اساس شرایط محیطی شکل گرفته است. بطور مثال در دوره مغاره نشینی که هوا سرد بود آتش یا رب النوع آگنی که هم باعث گرمی میشد و هم منبع نور بود مورد پرستش قرار گرفت؛ و در هنگامیکه اقلیم زمین روبه گرمی نهاد و دوره زراعتی آغاز شد نظر به ضرورت زارعین و برزگران میتره ایزد خورشید مورد پرستش واقع شد و بهمین گونه آب، باد ، زمین و مظاهر دیگر طبیعت، و چون آره ها (دهگانان) از دوره گردی دست کشیدند بزمین داری و آبیاری شیوه زندگانی بهتری را پیشه خویش ساختند به اساس مندرجات اوستا مورد ارج قرار گرفتند.

و این بود فشرده ای از شرح موضوع به پاسخ سوال شما که به اساس منابع ذیل نگاشته شد.

امید است قانع کننده و قابل استفاده باشد.

با ابراز ارادت، حامد نوید

گزیده از منابع این بخش

آریانا اثری ماندگار از احمدعلی کهزاد بنیاد فرهنگی قلم سبز. فیروزه اکبری نواندیش

تاریخ مختصر افغانستان ، پوهاند عبدالحی حبیبی ۲ جلد ۱۹۴۸

فضایل بلخ، پوهاند عبدالحی حبیبی تهران ۱۳۴۹  
رسالة افغاني و افغانيت پوهاند عبدالحی حبیبی ۱۳۱۷  
متن بیانیه آقای م. ن. دشیپاندی باستانشناس مشهور هند روابط کلتوری افغانستان و هند در طول تاریخ  
سیمینار پوهنتون کابل ترجمه و تزیید از: محقق محمد اکبر امینی – تورنتو- کابل ناتها  
گزیده سرودهای ریگویدا، ترجمه سید محمد رضا جلالی نایینی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ سوم  
۱۳۷۲،

مرتضی ثاقب فر ناسیونالیسم ایرانی و مسئله ملیت ها در ایران  
( ایران باستان و هویت ایرانی) نشریه نگاه نو ۱۳۷۰  
ریشه‌های تاریخی ملی‌گرایی ایرانی در گفتگو با رضا ضیا ابراهیمی  
خودشرفی‌گری و ناکجایی: استفاده و سوءاستفاده از گفتمان «آریایی» در ایران ۲۰ تیر ۱۳۹۵

, "Bactria - Geography, History, Tokharistan, ۲۲۴۶, pg. ^Cambridge Encyclopedia Vol.  
Archaeological sites", with this quote "The Bactrians are one of the ancestral lines of the modern-  
".day Pashtuns, Tajiks, of Central Asia  
۷۶B.C. by S. B. Roy, Page ۱۴۰۰-۳۱۰۰ Early Aryans of India,  
Yazata در متون اوستایی معنی فرشته رامیده

۳۱۹Iran” Page & Miron Rezun, “The Soviet Union  
:Further Readings

Ali Kabar Razmjoo ( Hezbe Pan Iranist)

.year’s history with the Pan-Iranists) Los Angeles, CA: Ketab Corp ۰۰ Engheta, Naser ( Reza Zia-Ebrahimi Professor of history and politics at the University of Oxford and the London School of Economics "Self-Orientalisation and Dislocation: The Uses and Abuses of the Aryan  
۲۰۱۱ and ۲۰۰۸ Discourse in Iran,” International Journal of Iranian Studies”

Avesta, The Religious Book of the Parses” From Prof. Spiegel German text, translation of “  
۱۸۱۷ original script, Author Henry Bleek, University of Michigan Libraries,  
.NUMISMATIC CHRONICLE, JOURNAL OF THE NUMISMATIC SOCIETY  
۱۰۸. LONDON, page ۱۸۶۸, SOHO SQUARE JOHN RUSSELL SMITH,  
Christopher Moles worth Birdwood, Afghans are Assakani of the Greeks this word being the  
,)۱۱۳, p ۱۹۱ Sanskrit Ahsvaka meaning 'horsemen' (Ref: Sva,

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ